

# جامعه‌شناسی

## کندوکاو جامعه‌شناختی در مسئله فقر

دکتر میثم موسایی

استاد گروه برنامه‌ریزی و رفاه دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

رضا خورشیدی

دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

اصلی برنامه‌های توسعه اقتصادی در هر کشوری است. فقر از پدیده‌های نامطلوبی است که از آغاز زندگی بشر در این کره خاکی با وی قرین و هم‌نشین بوده است. پدیده فقر هنگامی که از نسلی به نسل دیگر تداوم یابد، به صورت یک فرهنگ در می‌آید و به‌عنوان مانعی پایدار در مقابل توسعه قرار می‌گیرد. فقر واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که از دیر باز از بزرگ‌ترین مشکلات انسان بوده است. در حال حاضر نیز جامعه بشری، با وجود تحولات بسیار عظیمی که در زمینه‌های گوناگون علوم روی داده است، با این پدیده شوم دست و پنجه نرم می‌کند. فقر تنها از محرومیت مادی ناشی نیست، بلکه به طور عمده پدیده‌ای اجتماعی است که موجب می‌شود، اشخاص فقیر از ظرفیت و توانایی خویش درک صحیحی نداشته باشند. هدف این مقاله کالبدشکافی فقر به‌عنوان یک مسئله اجتماعی با تمام ابعاد و پیچیدگی‌هایی است که دارد. با وجود سال‌ها مطالعه، همچنان تعریفی واحد و راه حلی یکسان برای ریشه‌کنی فقر حاصل نشده است.

فقر یکی از شاخص‌های توسعه‌نیافتگی و کاهش آن معیاری برای توسعه‌یافتگی است اگر تا به حال شاهد گسترش فقر در نقاط گوناگون دنیا هستیم، دلیلش عدم تحقق توسعه پایدار است. تنوع تعاریف از مفاهیم فقر، نظرات و نظریه‌های گوناگون در مورد آن از یک طرف، و توجه کمتر به دلایل جامعه‌شناختی فقر از طرف دیگر، انگیزه‌ای برای ارائه این مقاله شد. مقاله به دنبال پاسخ‌گویی به سؤالات زیر بوده است:

• فقر و ابعاد آن کدام‌اند؟

### چکیده

فقر واقعیتی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است که از دیر باز بزرگ‌ترین مشکل انسان بوده است و در حال حاضر نیز جامعه بشری، با وجود تحولات بسیار عظیمی که در زمینه‌های گوناگون علوم داشته است، با این پدیده شوم دست و پنجه نرم می‌کند. بر این اساس مقاله حاضر با هدف ارائه نگاه کثرت‌گرایانه به دنبال کنکاشی جامعه‌شناختی در تعاریف و نظریه‌های فقر است.

روش تحقیق کتابخانه‌ای بوده و تعاریف و نظریه‌های به دست آمده در مورد فقر به شیوه توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهند، فقر طی فرایندی از بعد معیشتی به بعد اجتماعی در جریان بوده است. نظریه‌های فقر نگاهی یکسویه در مورد پیدایش فقر و کاهش آن داشته‌اند. به‌عبارت دیگر، فقر را از نگاهی یک بعدی بررسی کرده‌اند. این در حالی است که فقر به‌عنوان یک مسئله اجتماعی نیازمند نگاه کثرت‌گرایانه است. بنابراین در مقاله حاضر، مدل نظری تلفیقی چند عاملی با استناد به نظریه‌های فقر برای تبیین نحوه بروز و کاهش فقر ارائه شده است.

**کلیدواژه‌ها:** فقر، فقر مطلق، فقر نسبی، ریشه فقر، مدل تلفیقی

### مقدمه و بیان مسئله

افزایش رفاه اقتصادی مردم و کاهش فقر یکی از اهداف



## فقر در تعاریف دانشمندان

**مارکس** بحث را از مبارزه با فقر به مبارزه با شرایط تاریخی که به ایجاد فقر و طبقات اجتماعی منجر می‌شود، گسترش داد. **دور کیمر** با طرح مفهوم «آنومی»، فقر را با مسئله انسجام اجتماعی پیوند زد. زمیل نیز تعریف سنتی از فقیر را دگرگون کرد و تعریفی ارتباطی از فقر ارائه داد: «فقیر کسی است که جامعه او را فقیر می‌نامد و به این عنوان او را محتاج کمک می‌داند». پدیده فقر از دیدگاه جامعه‌شناسی یکی از آسیب‌های مهم اقتصادی و اجتماعی است که نه تنها مورد توجه جامعه‌شناسان قرار گرفته، بلکه از سوی اقتصاد دانان، سیاستمداران و ادیان مختلف مورد توجه قرار گرفته است که نشان از اهمیت و پیچیدگی موضوع دارد.

**تاونسند** می‌نویسد: «افراد، خانواده‌ها و گروه‌های جمعیتی زمانی فقیر به حساب می‌آیند که با نبود منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی مواجه باشند» (۲۱۷ - ۲۱۰: ۱۹۸۵ و Townsend).

دو تعریف عمده از فقر وجود دارد: نخست تعریف معیشتی از فقر و دیگری فقر به مثابه محرومیت نسبی. تعریف اخیر محرومیت را در معنای کلی‌تری ارزیابی می‌کند که در مقایسه با تعریف نخست بخش وسیع‌تری از انسان‌ها را در برمی‌گیرد (از کیا، ۱۳۸۱: ۳۰ - ۲۸).

«به یک مفهوم فقر پدیده‌ای ذهنی است، چون به محرومیت از برخی کالاها اشاره دارد که فرد خود را نیازمند آن‌ها می‌داند (سید حسن رضوی، ۱۳۸۲: ۱۷۳ - ۱۷۲).

آنچه از مجموع تعاریف فقر به دست می‌آید نشان می‌دهد، مفهوم فقر به صورت انواع مطلق، نسبی و قابلیت‌ی به شکلی فرایندی در تاریخ بشریت شکل گرفته است. لذا فقر از چشم‌انداز اقتصادی تا چشم‌اندازهای فرهنگی، انسانی و اجتماعی در حال حاضر تکوین یافته است.

- نظریه‌های مرتبط با فقر کدام‌اند؟
- معایب این نظریه‌ها چیست؟
- ریشه‌های فقر کدام‌اند؟

روش مطالعه برای تدوین این مقاله کتابخانه‌ای بوده است که مطالب مرتبط به صورت توصیفی و تحلیلی بررسی شده‌اند.

## تاریخچه مفهوم فقر

فقر از زمانی که نابرابری به وجود آمده، در جوامع حضور داشته است. اما نگاه جدید به فقر به دوره صنعتی شدن شهرهای بزرگ اروپایی و به همراه آن هجوم کارگران به شهرهای ناآماده باز می‌گردد. ابتدا این نویسندگان بودند که به موضوع فقر توجه کردند و داستان‌های خود را درباره وضعیت فقرای شهری نوشتند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۵۹۶). نگاهی به مفهوم فقر در فرایند تاریخی نشان می‌دهد، در قرن شانزدهم، انگلستان کشوری است که در آن، فقرا از دیگر طبقات تفکیک می‌شوند. در قرن نوزدهم آن‌ها را طبقه جنایتکار و خطرناک نام‌گذاری می‌کنند. در ادامه در سال ۱۹۶۷ **اسکار لویس** «فرهنگ فقر» را به‌عنوان خرده فرهنگ مطرح کرد (پرستش، ۱۳۸۷: ۲۱)، **گیدنز** وجود فقر شدید شهری و نابرابری در شهرهای آمریکا را از عوامل اصلی ایجاد انگیزه برای ارائه تحلیل‌های جامعه‌شناختی می‌داند.

جدول ۱. جمع‌بندی تاریخچه فقر

جریان پیدایش فقر	تکوین مطالعات فقر	سیر تاریخی فرایند فقر	پیدایش فقر در ایران
جریان صنعتی شدن و هجوم کارگران به شهرها	داستان‌نویسی برای فقر و بررسی فقر به صورت علمی توسط دانشمندانی چون بوث و روانتری	- قرن شانزدهم: ظهور طبقه فقیر - قرن نوزدهم: معرفی طبقه فقیر به نام طبقه خطرناک - قرن بیستم: خرده فرهنگ فقر لویس - دهه پایانی قرن بیستم: شکل‌گیری سیاست بین‌المللی برای فقرزدایی	- حکومت‌های قبیله‌ای - رانت دولتی - نفوذ خارجی - سابقه ۴۰ ساله تأمین اجتماعی برای رفع فقر در ایران

## ابعاد فقر

**فقر مطلق:** این مفهوم به معنای نخوردن غذای کافی (گرسنگی یا سوء تغذیه) است. یعنی بیانگر وضعیتی است که در آن شرایط زندگی سختی حاکم است و نداشتن یک وعده غذای بعدی ممکن است به معنای زندگی یا مرگ یک انسان باشد. از نشانه‌های آن می‌توان به اثرات سوء تغذیه، گرسنگی مزمن و تحلیل توان انسان به ویژه در کودکان اشاره کرد.

**فقر نسبی:** در مقابل فقر مطلق، فقر نسبی قرار دارد که موضوعی نسبی است و در آن داورها بر تعیین سطح فقر مؤثرند. فقر نسبی به‌عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی تعریف شده است که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود.

**فقر ذهنی:** زمانی که قضاوت شخص درباب وضعیت و موقعیت خویش در جامعه ملاک سنجش قرار می‌گیرد و فقر به عدم رضایت فردی از موقعیت اجتماعی و اقتصادی خویش تعریف می‌شود، با مفهوم فقر ذهنی مواجه هستیم.

**فقر عینی:** فقری است که منشأ آن نیازهای افراد است. به عبارت دیگر، فقر عینی ناتوانی برای مثال یک فرد روستایی است در برآوردن نیازهای اساسی که لازمه ادامه زندگی اوست.

**فقر قابلیت:** در ادبیات جدید توسعه، فقیر به کسی گفته می‌شود که از قدرت انتخاب کمتر و محدودتری در زندگی برخوردار است. امروز مفهوم فقر دیگر با فقر درامدی و فقر معیشتی برابر نیست و از فقر فرهنگی، فقر انسانی و در دهه اخیر از «فقر قابلیت» سخن در میان است. فقر قابلیت مفهومی عام‌تر از فقر درامدی است. در فقر قابلیت گفته می‌شود که درآمد، یکی از عناصر یا ابزارهایی است که انسان‌ها برای دستیابی به زندگی دلخواهشان به آن نیاز دارند. چرا که در نگاه قابلیت، غایت جست‌وجوی انسان دستیابی به ثروت نیست، بلکه دستیابی به زندگی دلخواه و متناسب با هویت فرهنگی جامعه است.

جدول ۲. جمع‌بندی ابعاد فقر و شاخص‌های آن

فقر مطلق	فقر نسبی	فقر قابلیت
- نیازهای اساسی	- ذهنی بودن	- فقدان قدرت انتخاب
- عینی بودن	- حاصل از مقایسه بودن	- اجتماعی و فرهنگی بودن
- اقتصادی بودن	- اقتصادی - فرهنگی بودن	- ناتوانی

## ۶ نظریه‌های فقر و دسته‌بندی آن‌ها

طبقه‌بندی حاضر برگرفته از کار ارزشمند «بلنک» (Blank, 2003) است که می‌توان آن‌ها را در پنج گروه عمده طبقه‌بندی کرد:

۱. **نظریات فرد نگرانه (ویژگی‌های فردی):** مجموعه گسترده‌ای از نظریات وجود دارند که فقر را به کفایت و صلاحیت فرد نسبت می‌دهند. این دیدگاه فرد را مسئول وضعیت فقر خود می‌داند.

۲. **نظریه فرهنگی:** طبق این نظریه، فقر ریشه در نظام‌های اقتصادی و فرهنگی دارد که از خرده فرهنگ فقر حمایت می‌کند. در واقع، ریشه فقر را در «فرهنگ فقر» جست و جو می‌کند. براساس نظریه پردازان این گروه، فقر از طریق انتقال مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، هنجارها و مهارت‌هایی که از یک نسل به نسل‌های بعدی منتقل می‌شوند، به وجود می‌آید.

۳. **نابرابری و تبعیض اجتماعی، سیاسی و اقتصادی:** این نظریه پردازان به افراد به‌عنوان منابع فقر نگاه نمی‌کنند، بلکه بر نظام اجتماعی، سیاسی و اقتصادی که موجب محدود شدن

فرصت‌ها و منابع کسب درآمد و رفاه می‌شود، تأکید می‌کنند.

۴. **عوامل جغرافیایی مؤثر بر فقر:** فقر روستایی، فقر حاشیه نشینی، فقر جنوب یا فقر جهان سوم از انواع فقر جغرافیایی است. این نظریه‌ها به این واقعیت توجه دارند که نهادها و فرهنگ مناطق خاص، منابع و شرایط لازم برای دستیابی به درآمد و رفاه را ندارند. وجود زیر بنای اقتصادی در مناطق مختلف یا فقدان آن، یکی از عوامل جغرافیایی مؤثر بر شکل‌گیری ساختارهایی است که فقر می‌آفریند یا آن را از بین می‌برند.

۵. **نظریه چرخه محرومیت:** این نظریه که بیشتر برای تحلیل فقر در جهان صنعتی وضع شده است، بر محیط اجتماعی و فرایندهای جامعه‌پذیری فقرا در فرایند جامعه‌پذیری «فرهنگ فقر» از نسلی به نسل دیگر تأکید دارد.

## ۶ تحلیل نظریه‌های فقر

از بررسی و تحلیل نظریه‌های فقر چنین برمی‌آید که هیچ کدام به تنهایی نمی‌توانند فقر را به‌عنوان یک مسئله اجتماعی تبیین کنند. نظریه فردنگرانه، با تمرکز بر فرد، عامل اصلی فقر در جامعه را فردیت انسان معرفی می‌کند. به عبارت دیگر، فقدان سرمایه انسانی را توجیه‌گر فقر می‌داند. طرف داران این نظریه محافظه‌کارند و جامعه را با تمام ساختارهایش مقدس نشان می‌دهند. این در حالی است که انسان‌ها در خلأ زندگی نمی‌کنند، بلکه جامعه‌ای آن‌ها را محاط کرده و کنترل می‌کند. دسته دوم نظریه‌ها لیبرال هستند که فرد را تیره می‌کنند و روی خرده فرهنگی با عنوان «فرهنگ فقر» به‌عنوان عامل فقر تأکید دارند، در حالی که خرده فرهنگ‌ها هم درون نظام اجتماعی شکل می‌گیرند. لذا طبق منطق عقلی و علمی، فقر زائیده خرده فرهنگ مخصوصی نیست. اگر فرهنگ فقری هم شکل می‌گیرد، در ارتباط متقابل با سایر ابعاد نظام اجتماعی است. بنابراین فقدان سرمایه فرهنگی به تنهایی عامل فقر نیست. گروه سوم از نظریه‌های فقر را می‌توان در نظر گرفت که رادیکال هستند. این‌ها فقدان مشارکت‌های اجتماعی و سیاسی، ساختارهای ناپایدار سیاسی و اقتصادی و سیاست‌های اقتصادی را به‌عنوان عوامل موجد فقر مطرح می‌کنند. نقصان همه نظریه‌های مطرح برای تبیین فقر، تقلیل‌گرایی به ابعاد خاصی است. گروهی به بعد ساختارها (فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی) تکیه دارند و گروهی بر فرد در فقیرسازی خود تأکید می‌کنند. در حالی که ساختار و فرد دو روی یک سکه هستند و تبیین هر مسئله اجتماعی مانند فقر، بدون تلفیق آن‌ها قابل تبیین و کامل نخواهد بود. از طرف دیگر، لازمه توسعه پایدار ترکیبی از سرمایه‌های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و انسانی است که با عاملیت انسان تجلی پیدا خواهد کرد.



برای فقرزدایی اقداماتی را انجام داده است. انواع فقر عبارت‌اند از: مطلق، نسبی و قابلیت. نظریه‌های مطرح در مورد فقر را می‌توان به دو دسته اقتصادی و اجتماعی تقسیم کرد. نظریه‌های فقر که توسط **بلنگ** دسته‌بندی و در این مقاله مطرح تحلیل شدند، در قالب‌های فردنگرانه، فرهنگی و ساختارگرایانه با نگاهی محافظه‌کارانه، لیبرال و رادیکال به تبیین فقر پرداخته‌اند. با توجه به نگاه تک‌علتی در این نظریه‌ها، آن‌ها را مورد نقد و بررسی قرار دادیم و با نگاهی کثرت‌گرا و تلفیق عاملیت و ساختار مدل، ترکیبی از این نظریه‌ها را برای تبیین فقر ارائه کردیم.

نتیجه بحث ما این است که فقر از نگاه جامعه‌شناسی یک مسئله اجتماعی است و هر مسئله اجتماعی برای تبیین نیازمند نگاه چند علتی است. فقر به‌عنوان یک مسئله اجتماعی زمانی ایجاد می‌شود که ساختار و عاملیت در عملکرد خود دچار نقصان شوند. با توجه به اینکه فقر موضوعی چند بعدی است، ما دیدگاه تلفیقی عاملیت و ساختار را با ترکیب سرمایه انسانی و دیگر سرمایه‌ها، در قالب یک مدل نظری ارائه دادیم. نظریه این است که بروز فقر و کاهش آن به لحاظ ارتباط متقابل انسان‌ها با ساختار قابل تبیین خواهد بود.

### راهکارهایی برای کاهش فقر

- ۱. رهیافت نوکلاسیک:** در این رهیافت اعتقاد بر این است که توسعه مبتنی بر بازار تنها راه مطمئن برای کاهش فقر و بهبود استانداردهای زندگی در درازمدت است.
- ۲. رهیافت اقتصاد سیاسی:** در این رهیافت اعتقاد بر این است که فقر محصول فرایندهای سیاسی و اقتصادی معینی است که جزء لاینفک بعضی نظام‌های اجتماعی هستند.
- ۳. رهیافت فرهنگ فقر:** در پی پژوهش **اسکار لوئیس** در دهه ۱۹۵۰، رهیافت فرهنگ فقر در مطالعه فقر شهری، خصوصاً آمریکای شمالی، اهمیت خاصی پیدا کرد. این نظریه می‌گوید: فقر تنها نداشتن درآمد کافی نیست، بلکه شیوه‌ای از زندگی است که از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.
- ۴. رهیافت مشارکت در کاهش فقر:** رهیافت مشارکتی معتقد است، تنها راه فقرا برای غلبه بر مشکلاتشان، شرکت مستقیم آن‌ها در تدوین سیاست‌های اجتماعی، پیشبرد طرح‌ها، اجرای آن‌ها در سطح جامعه و تقسیم منافع حاصل از آن‌هاست.

### جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یافته‌های مقاله حکایت از آن دارد که با صنعتی شدن و گسترش شهرها فقر ظهور کرده است و داستان نویسان انگلیسی اولین کسانی هستند که به آن توجه کرده‌اند. در ایران هم پیدایش فقر به حکومت‌های قبیله‌ای، رانت دولتی و نفوذ خارجی برمی‌گردد. از ۴۰ سال پیش سازمان تأمین اجتماعی

#### منابع

۱. ازکیا، مصطفی (۱۳۸۱). جامعه‌شناسی توسعه. نشر کلمه. تهران.
۲. پرستش، نسرين (۱۳۸۷). «پدیده فقر و نابرابری اجتماعی». مجله اقتصادی در ماهنامه بررسی مسائل سیاسی و اقتصادی
۳. رضوی، سید حسن (۱۳۸۲). روستا، فقر و توسعه (ج ۲). وزارت جهاد کشاورزی. تهران. چاپ اول.
۴. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان. نشر نی. تهران.
5. Ted k. Bradshaw (2006). Theories of Poverty and Anti – Poverty Programs in Community Development, University of California.
6. G wartney and maccaleb (1985) Transfers Equality. And The Limits Of Public Policy. Cab Joumel, Vol.6. No. 1(Spring/Summer1986).
7. Townsend, P. (1985). «A Sociological Approach to Measurement of Poverty: A Rejoinder to Professor Amartya Sen.» *Oxford Economic paper*, Vol. 13, pp. 210 – 227.